



Gul Mohammad Zeib Magsi (Baluch poet) and Iraqi style

Mojib AL Rahman Dehani¹ Abbas Nikbakht Abdullah Vaceqh Abbasi³

1. PhD student, Department of Persian Language and Literature, University of Sistan and Baluchestan, Zahedan, Iran. Email: dehanimajib72@gmail.com

2. Corresponding Author, Associate Professor, Department of Persian Language and Literature, University of Sistan and Baluchestan, Zahedan, Iran. Email: nikbakht_a@lihu.usb.ac.ir

3. Associate Professor, Department of Persian Language and Literature, University of Sistan and Baluchestan, Zahedan, Iran. Email: Vaceqh40@yahoo.com

Article Info

Article Type:
Research Article

Article History:

Received:
7, April, 2024

In Revised form:
14, July, 2024

Accepted:
21, July, 2024

Published Online:
18, September, 2024

Keywords:
Iraqi style,
imitation,
language, theme,
innovation.

ABSTRACT

Since the second half of the 6th century, Persian poetry underwent changes due to the emergence of political and social issues, which gave it special characteristics. In fact, since the end of the 6th century, we have witnessed the emergence of great poets. In this period, the structure and content of the poem have many contrasts and contradictions compared to the previous poems. The poetry of this period is stronger in terms of language, with Arabic and Turkish words and combinations, and the abundance of Literary devices, and it does not have the simplicity of the Khorasan period, and in terms of content, it is introverted and includes mysticism and Sufism. Many poets in later periods also followed this style and used the language and theme of prominent poets of this period. Gol Mohammad Khan Zib Magsi is one of the powerful and renowned Baloch poets, one of the contemporary poets who widely benefited from the thoughts, language and expression of the Iraqi style poets, and the poetic themes and characteristics of this period are abundantly evident in his poems. This research has been done in a descriptive-analytical way using library sources and a comparison between the poetry style of Gol Mohammad Khan Zib Magsi, a famous Baloch poet, and famous Iraqi poets. In his poems, Zib Magsi is more inclined towards the Iraqi style and has imitated the language and themes of the great poets of this period by guaranteeing the sonnets. In addition to having many innovations in the field of music, language and theme, Zib Magsi's poetry also has many similarities in terms of the use of words, combinations and specific themes with the powerful poets of the late 6th century to the 9th century AH, which shows his imitation of prominent poets of the style is Iraqi.

Cite this The Author(s): Dehani, M.R., Nikbakht, A, Vaceqh Abbasi, A.: 2024. Gul Mohammad Zeib Magsi (Baluch poet) and Iraqi style, Vol. 14, No. 1, Serial No. 33- Spring- Summer, (159-178).

DOI: [10.22059/jpl.2024.374372.2241](https://doi.org/10.22059/jpl.2024.374372.2241)



Published by: University of Tehran Press



گل محمد زیب مگسی (شاعر بلوچ) و سبک عراقی

مجیب الرحمن دهانی^۱ عباس نیکبخت^۲ عبدالله واثق عباسی

۱. دانشجوی دکتری، گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران. رایانامه: dehanimojib72@gmail.com

۲. نویسنده مسئول، دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران. رایانامه: nikbakt_a@lihu.usb.ac.ir

۳. دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران. رایانامه: Vacegh40@yahoo.com

اطلاعات مقاله چکیده

نوع مقاله:

علمی- پژوهشی

تاریخ دریافت:

۱۴۰۳/۰۱/۱۹

تاریخ بازنگری:

۱۴۰۳/۰۴/۲۴

تاریخ پذیرش:

۱۴۰۳/۰۴/۳۱

تاریخ انتشار:

۱۴۰۳/۰۶/۲۸

واژه‌های کلیدی:

سبک عراقی، تقلید،

زبان، مضمون،

نوآوری.

شعراى سنتى سرای معاصر را در معنا و مضمون، ساختار و محتوا بایدادامه دهنده شاعران نهضت بازگشت ادبی دانست که با تقلید و پیروی از اسلوب شاعری شاعران طراز اول و برجسته شعر فارسی همچون سعدی، مولوی، حافظ، عطار، عراقی و جامی اقدام به بازگشت و احیای سبک عراقی کرده اند. گل محمد خان زیب مگسی از شاعران توانمند و بلند آوازه بلوچ، یکی از شعراى معاصر است که به شکل گسترده‌ای از فکر و اندیشه، زبان و بیان شاعران سبک عراقی بهره‌ها برده و مضامین و ویژگی‌های شعری این دوره در اشعارش به وفور مشهود است. زیرا که شعر فارسی از حدود نیمه دوم قرن ششم به دلیل پدید آمدن مسایل سیاسی و اجتماعی دچار تحولاتی شد که ویژگی‌های خاصی را برای آن رقم زد. در واقع از اواخر قرن ششم شاهد ظهور و بروز شاعرانی بزرگ هستیم. در این دوره ساختار و محتوای شعر نسبت به شعر پیش از آن تقابل و تضاد بسیاری دارد. شعر این دوره از نظر زبانی قوی‌تر و همراه با واژه‌ها و ترکیبات عربی و ترکی و فراوانی آرایه‌های ادبی است و سادگی دوره خراسانی را ندارد و از نظر مضمون درونگرا و مشتمل بر عرفان و تصوف است. این پژوهش به روش توصیفی-تحلیلی با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و مقایسه‌ای میان سبک شعر گل محمد خان زیب مگسی شاعر شهیر بلوچ و شاعران مطرح سبک عراقی انجام شده است. زیب مگسی که در اشعارش بیشتر متمایل به سبک عراقی است با تضمین غزلیات شاعران بزرگ این دوره از زبان و مضمون آنها تقلید کرده است. غزلیات وی از نظر مضمون پردازی نوآوری ندارد؛ اما از نظر کاربرد صنایع فراوان، مبتکرانه است. شعر زیب مگسی علاوه بر این که نوآوری‌های بسیاری در زمینه موسیقی و زبان و مضمون دارد، شباهت‌های بسیاری نیز از نظر کاربرد واژگان، ترکیبات و مضامین خاص با شاعران توانمند اواخر قرن ششم تا قرن نهم هجری دارد که نشان از تقلید وی از شاعران مطرح سبک عراقی است. در این مقاله برآنیم تا شیوه نمود و پدیدار شدن مشخصات و ویژگی‌های شعر سبک عراقی را در شعر و اندیشه زیب مگسی بیان داریم.

استناد: دهانی، مجیب الرحمن؛ نیکبخت، عباس؛ واثق عباسی، عبدالله. (۱۴۰۲)، ریش گل محمد زیب مگسی (شاعر بلوچ) و سبک عراقی، ادب فارسی، سال ۱۴،

DOI: 10.22059/jpl.2024.374372.2241

شماره ۱، بهار و تابستان ۱۴۰۳، پیاپی ۳۳. (۱۵۹-۱۷۸).



ناشر: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.

۱. مقدمه

شعر فارسی در دوره‌های مختلف دارای ویژگی‌های گوناگونی بوده است که از آن با عنوان سبک یا دوره یاد می‌شود. سبک عراقی دومین دوره شعر فارسی پس از دوره خراسانی است که با دگرگونی‌های مهمی نسبت به دوره قبل همراه است. در این دوره شاعران بسیاری ظهور کردند که برخی از آنان مانند سعدی، حافظ، مولوی، عراقی و جامی مضامین نوآورانه‌ای را پرورده‌اند که در دوره‌های بعدی از آن تقلید شده است. «میرگل محمد خان زیب مگسی شاعر بلوچ است که اصل وی از قبیله تمندار از قبايل بزرگ بلوچستان پاکستان است» (مصاحب، ۱۳۸۳، ج ۲: ذیل مگس) از وی دو دیوان به نام‌های زیب‌نامه و خزینه‌الاشعار چاپ شده و دیوان ارمغان عاشقان وی تاکنون تصحیح و چاپ نشده است (کوثر، ۱۹۶۸: ۱۶۰). وی شاعران ایرانی پیش از خود را به خوبی می‌شناخته و از اشعار آنها بهره فراوان برده است به طوری که کتاب خزینه‌الاشعار وی سراسر تضمین غزل‌های شاعران در سبک‌های مختلف است که او در مخمسات خود به کار برده است، بنابراین تاثیر این شاعران بر لفظ و محتوای آثار وی به خوبی قابل مشاهده است. کتاب غزلیات وی با عنوان زیب‌نامه نیز مشحون از مضامین عاشقانه و عارفانه است که متأثر از سبک عراقی بوده و نشانه‌هایی از شاعرانی که از آنها تاثیر پذیرفته یافت می‌شود. در مواردی تقلیدهای وی را در زبان و موسیقی می‌توان دید مانند این بیت حافظ:

دل ما به دور رویت ز چمن فراغ دارد که چو سرو پای بند است و چو لاله داغ دارد
(حافظ، ۱۳۹۱: ۱۱۷)

که زیب مگسی به این شکل آن را تقلید کرده است:

غافل کند به عهد توسیر بهار و باغ دارد دلم به دور رخت از چمن فراغ

(زیب مگسی، ۱۹۹۵: ۱۱)

پیداست که مصراع دوم شعر گل محمد تفاوت جزئی با مصراع اول بیت حافظ دارد. زبان شعری وی نیز در کتاب خزینه‌الاشعار تحت تاثیر غزلیاتی است که در مخمسات خود تضمین کرده است. به طوری که این تاثیر را در کاربرد واژه‌ها و آرایه‌های ادبی می‌توان دید. در این مقاله در صدد هستیم با توجه به ویژگی‌های سبک عراقی به طور عام و سبک شاعران معروف این دوره به طور خاص، به بررسی تاثیر پذیری زیب مگسی از ویژگی‌ها و سبک شاعران عراقی در دو کتاب خزینه‌الاشعار و زیب‌نامه بپردازیم.

۱-۱. پرسش‌های پژوهش

۱. کدام یک از مؤلفه‌های سبک عراقی در شعر زیب مگسی بیشتر دیده می‌شود؟
۲. سبک عراقی در شعر میر گل محمد زیب مگسی به چه صورت بازتاب یافته است؟
۳. شعرگل محمد زیب مگسی از کدام یک از شاعران سبک عراقی بیشتر تاثیر پذیرفته است؟
۴. تقلید از ذهن و زبان شاعران سبک عراقی در شعر زیب مگسی به چه نحوی دیده می‌شود؟

۱-۲. فرضیات پژوهش

۱. به نظر می‌رسد عرفان و عشق آسمانی بیشترین مضمون شعر گل محمد زب مگسی باشد.
۲. به نظر می‌رسد کاربرد آرایه‌های فراوان و مضامین عشق و عرفان نشانه‌های سبک عراقی باشد.
۳. به نظر می‌رسد وی بیشتر از شاعران عارف تأثیر پذیرفته است.
۴. زب مگسی از آرایه‌های لفظی و ترکیبات زبانی شاعران سبک عراقی تقلید کرده است.

۱-۳. پیشینه پژوهش

علی شاه (۱۳۸۹) در مقاله بازتاب غدیر خم در قصاید زب مگسی، به بررسی بازتاب این واقعه در شعر گل محمد خان پرداخته است. بر اساس این مقاله، در دیوان خزینه‌الجواهر ۵۱ قصیده در شأن امام علی سروده شده است.

علی شاه (۱۳۸۳) در مقاله «زب مگسی سخن سرای برجسته قرن چهاردهم هجری» به معرفی این شاعر و آثار او پرداخته است.

همچنین شجاع زاده (۱۳۹۵) در پایان نامه کارشناسی ارشد خود با عنوان «بررسی عناصر پنجگانه شعری در دیوان گل محمد خان زب مگسی» عناصر شعری آثار این شاعر را از جهات مختلف بررسی نموده و با نمودارهایی بسامد آنها را نشان داده است. این عناصر عبارتند از: تخیل، عاطفه، موسیقی، زبان و شکل شعر.

دهانی و همکاران (۱۴۰۳) در مقاله «تحلیل بنمایه‌های سبکی اشعار گل محمد خان زب مگسی» به روش توصیفی-تحلیلی به بررسی آماری سبک اشعار گل محمد پرداخته و به این نتیجه رسیده‌اند که شعر وی در عین سادگی، سرشار از کاربردهای هنرمندانه صنایع ادبی است و محور تازه‌ای که ابداع کرده در خدمت بیان مضامین عاشقانه، عرفانی و تعلیمی است.

۱-۴. اهداف پژوهش

۱. شناخت جایگاه شاعران سبک عراقی در شعر و اندیشه گل محمد خان زب مگسی.
۲. بررسی نحوه تقلید گل محمد زب مگسی از شاعران سبک عراقی.

۱-۵. روش پژوهش

این پژوهش به روش توصیفی-تحلیلی بر اساس منابع کتابخانه‌ای انجام می‌گیرد و تمرکز آن بر تأثیر پذیری گل محمد زب مگسی از چند شاعر مطرح سبک عراقی (مولوی، سعدی، حافظ و جامی) است.

۲. بحث

۱-۲. سبک عراقی

سبک حاصل نگاه خاص هنرمند به جهان درون و بیرون است که در شیوه خاص بیان نمود پیدا می‌کند (شمیسا، ۱۳۸۴: ۱۸). به بیانی دیگر سبک حاصل گزینش و آرایش زبان است که با انتقال معنا نیز مرتبط است (ولک، ۱۳۷۹: ۲۳۷).

شعر فارسی بر اساس دگرگونی‌های فرهنگی، اجتماعی و سیاسی که در دوره‌های مختلف ایجاد شده دچار تغییرات لفظی و درونمایه‌ای شده و سبک دوره‌های مختلف را تشکیل داده است. دگرگونی‌ها به تدریج در شعر روی می‌دهد و سبکی جایگزین سبکی دیگر می‌شود. «سبک عراقی را می‌توان حاصل حوادث سیاسی و اجتماعی ناشی از حملات مغول دانست که حدوداً از نیمه دوم قرن ششم آغاز شده است و تأثیرات آن را بیشتر در قرن هفتم به بعد شاهد هستیم. در این دوره به دلیل تضعیف روحیه ایرانیان، مرگ اهل علم و ادب، بی‌ثباتی اوضاع و احوال و آشوب‌ها و عدم توجه حاکمان به شعر و شاعری، شعر فارسی از تعقل و منطق فاصله گرفته به سمت درونگرایی و تخیل و عرفان و تصوف و عشق آسمانی گرایش پیدا کرد» (غلامرضایی، ۱۳۹۱: ۱۴۶-۱۴۵). «با این حال در این دوره شاعران بزرگی ظهور کردند که با استفاده از تجربیات گذشته شعر فارسی و یافته‌های دوره جدید شعر را اعتلا بخشیدند. شاعرانی چون سعدی، حافظ و مولوی از جمله قله‌های ادب فارسی هستند و تأثیر آنها را بر شعر و اندیشه اهالی ادب را نمی‌توان انکار کرد، ویژگی‌های صوری و زبانی این دوره عبارت است از: تازگی لفظی، افزایش ترکیبات و واژه‌های عربی و ترکی، ملمعات، زبان نرم و لطیف، از نظر قالب نیز غزل بیشترین بسامد را در کاربرد قالب‌ها دارد» (همان: ۱۴۷-۱۴۸). از نظر درونمایه و مضمون نیز سوز و گداز عاشقانه حاکم است و معشوق شخص معینی نیست و ویژگی‌های زمینی ندارد، مضامین عرفانی رواج یافته و تخیلات دور و دراز جای واقعیت را گرفته است.

۲-۲. تأثیر درونمایه‌های سبک عراقی بر شعر گل محمد زیب مگسی

در این بخش به بررسی ویژگی‌های مضمونی سبک عراقی در شعر زیب مگسی می‌پردازیم که وی دنباله رو و ادامه دهنده اسلوب شعری شاعران مطرح این دوره است و اشعار آنها را در کتاب خزینه‌الاشعار تضمین کرده است.

۲-۱. مضامین عرفانی

یکی از مهمترین مضامین شعر گل محمد، مضامین عرفانی است که بیشتر در کتاب خزینه‌الاشعار وی نمود پیدا کرده است، این مضامین را در کتاب زیب‌نامه نیز در میان اشعار عاشقانه می‌توان یافت و در واقع عشق و عرفان در مخمسات و غزلیات وی به هم آمیخته است، در این جا به نمونه‌هایی از این مضامین که تبعیت از شاعران دوره عراقی است اشاره می‌کنیم.

الف. وحدت وجود

مؤسس عرفان نظری و طراح نظریه وحدت وجود در اسلام ابن عربی است (بهارنژاد، ۱۳۸۵: ۹۳). اعتقاد وحدت وجود را در غزلیات مولوی نیز می‌بینیم. وی همه چیز را خدا و خدا را همه چیز می‌داند. جلال‌الدین مولوی به پیروی از فلاسفه نامدار یونان و عرفای طرفدار مکتب وحدت وجود

معتقد بود که جمال تامّ و ابدی از آن پروردگار است و پیوندش با حقیقت به سان اتصال و رابطه نور خورشید است با خورشیدجهانتاب (تدین، ۱۳۷۲: ۱۳۱).
گل محمد در باب وحدت وجود بیاناتی دارد که یادآور اشعار مولوی است. او همه عناصر را خدا می‌داند و می‌گوید:

تویی خود گوه‌ر و هم موج دریا	تویی خود گلشن و هم کوه و صحرا
تویی خود آسمان و ماه و بیضا	چو خورشید جمالت گشت پیدا

(زیب مگسی، ۱۹۹۶م: ۲۹)

این ابیات زیب یادآور ابیاتی از مولوی است:

قطره تویی بحر تویی لطف تویی قهر تویی	قند تویی زهر تویی بیش میازار مرا
حجره خورشید تویی خانه ناهید تویی	روضه امید تویی راه ده ای یار مرا
روز تویی روزه تویی حاصل دریوزه تویی	آب تویی کوزه تویی آب ده لین بار مرا

(مولوی، ۱۳۸۴: ۶۳)

همچنین وی در بیت دیگری وحدت را چنین توصیف می‌کند که در آن نیک و بد فرقی ندارند و همه چیز یکی است و نشانه ایمان وهوش یکی دانستن همه چیز است:

به وحدت نیست فرق نیک و هم بد	یکی دان سنگ خارا و زبرجد...
ز وحدت می‌شود کثرت فراموش	یکی دانستن ایمان است و هم هوش

(زیب مگسی، ۱۹۹۶م: ۲۹)

ب. پیر و مراد

در نزد عارفان پیر و مراد اهمیت بسیاری دارد و بدون دست دادن به پیر و مراد نمی‌توان به نتیجه رسید. زیب هم معتقد است که با توسل به پیر و مراد می‌توان به کمال رسید و عشق معنوی و وصال را تجربه کرد:

ولای حق ز حب پیر در دل می‌شود پیدا	ز شغل دم کلید قفل مشکل می‌شود پیدا
مراد وصل یار از شیخ واصل می‌شود پیدا	صفای دل ز فیض پیر کامل می‌شود پیدا

(زیب مگسی، ۱۹۹۶م: ۲۳)

بدرقه در این جا به معنی راهنماست که زیب مگسی اعتقاد دارد بدون آن نمی‌توان راه را یافت و سالک گمراه می‌شود. در بیت بعدی هم خضر نمادی از راهنماست برای کسانی که راه را گم کرده اند:

حزم را از کف مده گر پات بر تخت شاهی ست	ره بغیر از بدرقه رفتن نشان گمراهی ست
پیوسته بوده ره مقصود کرده گم	اکنون چو یافتی خضر رهنما مخسپ

(زیب مگسی، ۱۳۹۵م: ۲)

ج. تقابل عقل و عشق

بر خلاف شعر دوره خراسانی که بر تعقل استوار است در این دوره عقل جایی ندارد و عشق بسیار بالاتر است. شاعران سبک عراقی عقل و عشق را در تقابل با هم قرار می‌دهند و عقل همیشه خوار و زبون است. فلسفه و عرفان دو راهی هستند که برای شناخت خدا به کار گرفته می‌شوند یکی مبتنی بر عقل و دیگری مبتنی بر دل است. عرفا معتقدند دست عقل کوتاه است، ولی عشق حد و مرز ندارد. سعدی می‌گوید:

عقل را با عشق خوبان طاقت سرپنجه نیست با قضای آسمانی برتابد جهد مرد
(سعدی، ۱۳۸۵: ۶۲۲)

حافظ نیز می‌گوید:

حریم عشق را درگه، بسی بالاتر از عشق است کسی آن آستان بوسد که جان در آستین دارد
(حافظ، ۱۳۹۱: ۱۲۱)

در شعر زیب مگسی نیز همین مضمون به کار رفته که مشخصاً عقل را در برابر عشق همچون غلام می‌داند:

به عشق عقل چه لافد که از اشاره او غلام بنده خود تاجدار را بنگر
(زیب مگسی، ۱۹۹۵: ۱۸)

او عقل و شعور را در طی منازل عشق لنگ می‌داند و به جای آن صدق و یقین را لازمه رسیدن به وصال یار می‌داند:

شعور و عقل را لنگ است پا در منزل عشقش یقین و صدق باید تازنی دستی بدامانش
(همان، ۱۳۹۵: ۸)

همچنین عقل را در برابر عشق بی‌وقار می‌خواند که این نوع مضامین را از دوره عراقی به بعد می‌توان یافت که اشعار متضمن مفاهیم عاشقانه و عارفانه است:

قرار ورع به وقت وصال ممتنع است وقار عقل ندیدیم در زمانه عشق
(همان، ۱۲)

۲-۲-۲. مضامین عاشقانه

الف. معشوق آسمانی

عشق در دوره عراقی از مضامین پر بسامد است که با عرفان آمیخته است. معشوق این دوره دارای ویژگی‌های خاصی است که عاشق را مدام در حال نیاز نگه داشته و ناز بسیار دارد و شاعر دائماً از جور و جفای او به فریاد است و همچنان خریدار ناز اوست و سر تسلیم و رضا دارد. زیب مضمین عاشقانه بسیاری سروده است و در شعر او می‌توان توصیفات بسیاری از زیبایی‌های ظاهری و باطنی معشوق را یافت. گاهی نیز مستقیماً به معشوق حقیقی اشاره می‌کند:

چون مسیح از عشق معشوق حقیقی زنده ام عمر در عشق بتان دادن نمی‌آید مرا
(زیب مگسی، ۱۳۹۵: ۱۷۱)

معشوق حقیقی بی همتاست و هیچکس شبیه او نیست. توصیف زیب مگسی از معشوق این پیام را منتقل می کند که او به معشوق حقیقی عشق می ورزد این محبوب در هیچ کجای دنیا نظیر ندارد و ویژگی های اخلاقی او هم منحصر بفرد هستند:

بکند قامت محبوب خجل طوبی را آب خجلت بود از روش گل رعنا را
(زیب مگسی، ۱۹۹۶م: ۶)
ای که تو افزونتری از مهر با حسن چنین زیب سان کس نیست در عشق تو مفتون و حزین
(همان: ۸)

ب. جور و جفای معشوق

در شعر زیب مگسی گلایه از جور و جفای یار جایگاه خاص خود را دارد، وی نیز متأثر از نظریات سایر شاعران است و معنی و مضمون تازه‌ای در این باره در اشعارش یافت نمی شود، معشوق همواره ناز دارد و به عاشق جفا می کند و این موضوع در همه ادوار یکسان است تنها تعامل عاشق است که گاهی در سبک‌های مختلف تغییر می کند؛ اما زیب مگسی چنین دگرگونی را ندارد و همانند سعدی در عین عاشقی و تمنای وصال، با جفا هم می سازد.

من به تو مایل جهان با مال و زر مایل بسی من تو را ذاکر بسی و تو ز من غافل بسی
(همان: ۳۶)

از این نوع ابیات در غزل سعدی فراوان می توان یافت. بیان وفا و بی وفایی در غزل سعدی بسته به شرایط روحی او متفاوت است. گاه جفا را عین وفا می شمارد و گاهی از بی وفایی شکوه می کند. بیت زیر دارای مفهوم پارادوکسی است:

از هر جفات بوی وفایی همی دهد در هر تعنتیت هزار استمالت است
(سعدی، ۱۳۸۵: ۵۵۴)
آن همه دلداری و پیمان و عهد نیک نکردی که نکردی وفا
(همان: ۵۲۲)

در حالی که عاشق تمایل به معشوق دارد او نظرش در جای دیگری است:

مرا چشم سو تست تو را میل با اغیار مرا عمر نشاط تو تورااست از من بار
تو را خنده از عیش مرا گریه از طیش تو را ناز و اقبال مرا عجز ز اوبار
(زیب مگسی، ۱۹۹۵م: ۴۲)

در این ابیات نیز به یار التماس می کند که جفاکار نباشد به این دلیل که دنیا به کسی وفا نکرده است. در برخی ابیات گلایه همراه با تهدید و ترساندن از عاقبت کار است که خود می تواند یکی از موارد اختلاف با سعدی باشد:

جفا مکن که سپهر بلند بازیر کمر ربوده ز کاوس وز فریدون تاج
جوان من مگرت از قصاص ما غم نیست که گاه تیر زدن می کنی جگر آماج
(همان: ۳۵)

ج. سوز و گداز عاشقانه

در کتاب زیب‌نامه که غزلیات زیب را تشکیل میدهد تاثیر پذیری بیشتر وی را از دیگر شاعران می‌بینیم زیرا مضمون اغلب اشعار وی مباحث عرفانی و عاشقانه است و همچنین درونگرایی و غم و اندوه حاصل از عاشقی که ویژگی دوره عراقی است.

از فراق صد تعدی بر ما مکن روزهای عمر ما را شبها مکن
عمر شیرین زهر باشد بی تو مرا بیش زینم دردمند و رسوا مکن
(همان: ۱۱۶)

از عشق تو باده خوارم و هم بدنام از هجر تو دردمندم و بی آرام
(همان: ۱۲۰)

عاشق همواره بی صبر و آشفته حال است و در حال گریه و زاری، این ویژگی در شعر زیب کلیشه‌ای است و نمی‌توان تفاوتی میان شعر وی و شاعران سبک عراقی قائل شد. اشعار زمینی وی غالباً همین مضمون را دارد، زیرا معشوق توجهی به وی ندارد و او در هجران نالان و گریان است. در ابیات شاعر با استفاده از صور خیال تشبیه و استعاره صبر را چون خرمی می‌داند که با برق چهره سوخته است و فراقش همچون باد گرمی است که او را همچون گیاه زرد و رنجور کرده است، اشک را به طفلی تشبیه کرده که با یاد یار به صحرا می‌رود و چنان می‌گرید که صحرا را دریا می‌کند:

برق رخسار تو کرده خرم صبرم تباه از سموم فرقت تو زرد گشتم چون گیاه
هر شب از یاد تو بیرون دیده دریا آورد طفل اشکم گر به بازی رو به صحرا آورد
(زیب مگسی، ۱۹۹۶م: ۱۱)

این زیب می‌ماند حزین هم روز و شب گریان همی دمدم تصور می‌کند شکل شکرخندان همی
(همان: ۱۵)

د. معشوق مذکر

در شعر فارسی معشوق مذکر و توصیف او نیز فراوان است وصف «خط» نشان از معشوق مذکر دارد و گاه مستقیماً با لفظ «پسر» اشاره می‌گردد به نظر دکتر شمیسا «در جامعه آن روزگار این نوع اخلاقیات امری معمولی بود و اساساً لغت غلامبار در متون قدیم بیش از زن باره به چشم می‌خورد» (شمیسا، ۱۳۸۰: ۵۰). به قولی دیگر اگر چنین حالتی در نظر ما مطرود و منفور است اما در آن زمان امری طبیعی و مرسوم بوده است به گونه‌ای که بعضی سلاطین به این عمل دست می‌زدند از آن جمله ماجرای سلطان محمود و ایاز است «(آذر، ۱۳۷۵: ۶۹) در دوره معاصر معشوق ادبیات می‌تواند زن باشد و محدودیتی در آن وجود ندارد؛ اما گاه شاعران با توجه به اشعار پیشینیان، معشوق مرد را نیز در نظر داشته‌اند در دوره عراقی شاعران به وضوح از ویژگی‌های معشوق مذکر سخن می‌گویند:

خوش می‌رود این پسر که برخاست سرویست که می‌رود چنین راست
(سعدی، ۱۳۸۵: ۵۴۸)

و زیب مگسی نیز بر همین اساس چنین می‌سراید:

از حال زارم سر به سر دانایی و داری خبر افسوس‌ای شیرین پسر سویم نمی‌آیی چرا؟
(زیب مگسی، ۱۹۹۵م: ۵۵)

همچنین توصیف خط معشوق نشان از مذكر بودن او دارد اما این بدان معنا نیست که شاعر تمایلات همجنس‌گرایانه داشته باشد بلکه این سبکی است که در غزل فارسی رایج بوده و بی هیچ غرضی به توصیف ظاهر شاهدان مذكر می‌پرداختند و در شعر عرفانی هم این مضمون وارد شده است:

خط یاقوت از خط یاقوت توخوار و خجل مهر فرما مهر من شو بهر بی آرام رام
(زیب مگسی، ۱۳۹۵م: ۱۸۸)

۲-۳-۲. آمیختگی فارسی و عربی

در دوره عراقی علاوه بر فراوانی واژه‌های عربی در اشعار، استفاده از جملات و مصراع‌های عربی نیز رواج داشته است و ملمعات بسیاری در اشعار شاعران این دوره دیده می‌شود. نمونه‌های بسیاری از حافظ، سعدی و مولوی می‌توان ذکر نمود که در میان ابیات فارسی مصراع یا بیتی عربی افزوده‌اند.

زیب مگسی که با اشعار همه شاعران مانوس بوده از این ویژگی بسیار استفاده کرده است:

مده از فراق سوزش مکن از لقب محروم ففراقکم عذابی و لقاءکم شفایی
از حسن و زنگاهت هستم بحیرت اندر حسنک یزید شوقی ثم النظر هوائی
(همان: ۷۸)

به قلم راست نیاید صفت مشتاقی سادتی إحترق القلب من الأشواق
نشود دفتر درد دل مجروح تمام لو أضافوا صُحُفَ الدهر إلى أوراقی
(سعدی، ۱۳۹۵: ۸۸)

ومن الماء كل شی حی زیست ماست زیب عالم آب
(زیب مگسی، ۱۹۹۵م: ۱۱۱)

لن ترانی مانع موسی نگشته در طلب ناید از انکار شاهد بر دل عاشق ملال
(همان: ۱۴)

۲-۴-۲. بسامد بالای ردیف

ردیف در دوره خراسانی به کار می‌رفت اما در دوره عراقی توجه به ردیف اهمیت بیشتری یافته است. جالب توجه است که بدانیم از میان ۱۸۵ غزل شاعر، فقط ۲۲ غزل بدون ردیف و ۱۴۳ غزل مردف است که موسیقی کناری غزل‌ها را غنا بخشیده و بخصوص با استفاده از ردیف‌هایی مانند: آهسته آهسته، میماند بجا، می‌آییم ما، هیچ نیست، کردم ندانستم، کم نشد، که من کردم، برتباد بیش از این، می‌داریم ما، چه شد اگر، گر می‌بود می‌دیدیم ما و... که ردیف‌هایی بلند و اغلب جمله‌ای هستند موجب توسعه حوزه موسیقایی کلام خود شده است. نمونه‌ای از کاربرد ردیف را در این ابیات می‌بینیم:

ردیف فعلی

پهلوی تهی کن از غفلت در سرا محسب
بیدار باش ای دل بهر خدا محسب
(زیب مگسی، ۱۳۹۵م: ۲)

ردیف اسم

ثاقب رخت شرر به دل و جان زد الغیث
چشمت به سینه ام صد پیکان زد الغیث
(همان: ۳)

صفت مبهم

چاره دردم وصل تو بود دیگر هیچ
شجره عمر مرا نیست به جز غم بر هیچ
(همان: ۴)

ضمیر و فعل

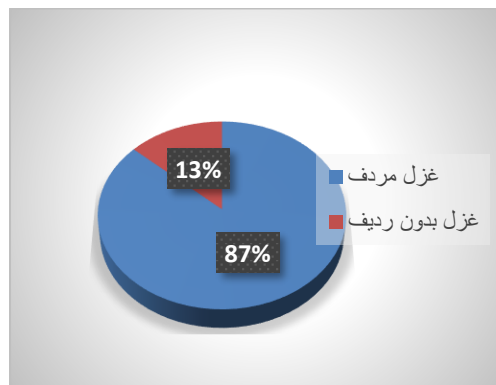
دل آرامانگاهم سوی توباد
دماغم تازه تر از بوی تو باد
(همان: ۵)

دو فعل و حرف ربط

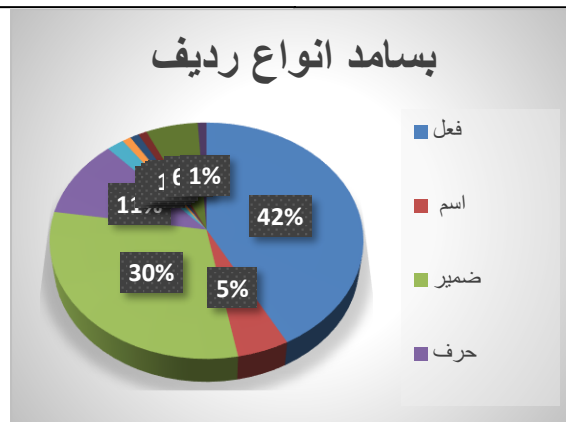
مرید عشق گشتم نذر ایمان دادم و رفتم
به کفر زلف نقد دین چون ضمان دادم و رفتم
(همان: ۱۴)

ضمیر

واله کرده بلیان را شکرین گفتار تو
خار خار گل بود حسن گل رخسار تو
(همان: ۱۵)



نمودار ۱. بسامد ردیف



نمودار ۲. بسامد انواع ردیف

۲-۵. شکل قالب شعر

بحث شکل در شعر زیب بسیار قابل توجه است. شکل غزل‌های وی ساختار غزل‌های سبک عراقی را داشته و نقش اساسی و غیر قابل انکاری در مقبولیت و موفقیت شعر وی دارد شکل ظاهری اشعار نواب میر گل محمدخان زیب مگسی را قالب‌هایی چون: غزل، قصیده و دوبیتی تشکیل داده‌اند. هر غزل به طور متوسط شامل ۱۰ تا ۱۶ بیت است، که گاهی این تعداد زیاد شده و به ۳۰ بیت می‌رسد و قالب غزل قصیده را به وجود می‌آورد. زیب اغلب قوالب شعری را آزموده است؛ اما در کتاب زیب‌نامه بیشتر غزل‌های وی درج شده است و در کتاب خزینه‌الاشعار فقط قالب مسمط به کار رفته است. در کتاب زیب‌نامه برخی قوالب دیگر را هم می‌بینیم. یکی از بخش‌های این کتاب «کتاب الصنایع ترجیع بند» نام دارد، که در آن اشعاری در قوالب ترجیع بند، ترکیب بند، مستزاد، مثلث، مربع، مخمس، مسدس، مسبع، مثنی، متسع، معشر و همچنین غزل در صنایع مختلف از جمله: جمع، تقسیم، تفریق، جمع و تفریق، جمع و تقسیم، جمع و تفریق و تقسیم، صنعت طباق، صنعت اطراد، ارساد، سیاقه الاعداد، قول بالموجب، مقابله، مراعات النظیر، لف و نشر و قصیده بی نقطه، قصیده کاملاً فارسی و قصیده مصنوع آمده است که این موارد نشان دهنده کاربرد بالای آرایه‌های ادبی است که از دوره عراقی در شعر وارد شده است و در شعر زیب مگسی بسامد بالایی دارد.

نمونه‌هایی از این صنایع:

غزل در صنعت ترک الباء:

زیب مگسی با همه الفبا چنین بازی کرده است و با ترک هر یک از حروف غزلی سروده است

تا هنر شاعری خود را نشان دهد:

زهی از روی تو شرمنده اختر ز شفتینت خجل تسنیم و کوثر

(زیب مگسی، ۱۹۹۵م: ۱۷)

غزل در صنعت مقابله

در این صنعت، شاعر دو چیز متضاد را در مقابل هم قرار می دهد:

ز روی روشنت ای مه سیاه مهر منیر دل تو سخت و تن توست نرم مثل حریر
مطیع حضرت حسن تو عالم و جاهل اسیر حلقه گیسوی تو امیر و فقیر
(همان: ۱۶۲)

غزل صنعت رجوع

در این صنعت نیز شاعر مطلبی را اثبات و سپس نفی می کند:

شهد لذت می دهد امانه چون گفتار او معجزه عبرت دهد اما نه چون رفتار او
ژاله باشد سردتر اما نه مثل مهر او لاله باشد نرم تر اما نه چون رخسار او
(همان: ۱۶۶)

۲-۲-۶. تقلید مضامین خاص شاعران

الف. ملامت

ملامت طریقه خاصی است که برخی صوفیان بنیاد نهادند که ظاهراً ابوحفص حداد نیشابوری و احمد خسرویه از پیشروان این طریقه بوده اند. هجویری به صراحت درباره احمد خسرویه گفته است : «پسندیده ی خاص و عام بود و طریقتش ملامت بودی» (هجویری، ۱۳۸۳: ۱۴۹). صوفیان ملامتی گمان داشتند صوفیان دیگر به کبر و ریا دچار گشته و در ستیز با این دو آفت بر سیر و سلوک اصرار می ورزند (سلمی، ۱۳۶۴: ۱۰۸). «در میان شاعران سبک عراقی حافظ از شاعران ملامتی است که در اشعارش خود را چنان می نماید که اهل فسق و فجور است. از شهرت گریختن و در گمنامی زیستن، یکی از پایه های اصلی طریقت ملامتیان است، این روش در اواسط قرن سوم پدید آمد و یا کمال یافت و مرکز پیروان این طریقه شهر نیشابور بود. موسس آن بنا بر اقوال مشهور ابو حفص حداد (ف: ۲۶۴ یا ۲۶۵ یا ۲۶۶ تا ۲۶۸ ه. ق) بود که پیروان او روش ملامتی را انتشار دادند. مبدأ نخستین این فکر، دقت در صدق و اخلاص است» (فروزانفر، ۱۳۸۴: ۷۳۳).

زیب نیز به صراحت می گوید:

از عشق ملامت است ما را وز توبه ندامت است ما را
مکروه دلسست نیکنامی مقبول ملامت است ما را
(زیب مگسی، ۱۹۹۵: ۱۹).

ب. رندی

رند از شخصیت های خاص شعر حافظ است. حافظ در مکتب خود که آمیزه ای از ملامتیه، قلندریه و حلاجیه است مخالفت با معتقدات معمول در جامعه و مبارزه با ریا را از ملامتیه، وارستگی را از قلندریه و بی باکی و جسارت و جان فشانی در عشق را از حلاجیه گرفته است. در هر حال شکافتن ماهیت رند حافظ از نظر ظاهر یعنی تخریب عادات از یک طرف و تظاهر به خلاف رسوم و عقیده ی مردم از سوی دیگر شبیه قلندریه و ملامتی است. از لحاظ جوهر و هدف نه قلندر است و نه

صوفی زیرا هدف رند حافظ، مبارزه و تربیت و تنبیه دیگران با استفاده از روش قلندریه و ملامتیه و حفظ سلامت باطن با بی اعتنایی محض به مردم و افکار و عقاید آنان است ولی هدف قلندریه و ملامتی تحصیل امکان تهذیب شخصی و بریدن از خلق و پرداختن به حق است (مرتضوی، ۱۳۶۵: ۱۴۸). رند چهره محبوب شعر حافظ است که مخالفت او را با ریا و زهد خشک آشکار می‌سازد:

در خرقة چو آتش زدی ای عارف سالک جہدی کن و سر حلقه ی رندان جہان باش
(حافظ، ۱۳۹۱: ۲۷۲)

بر در میکده رندان قلندر باشند کہ ستانند و دهند افسر شاهنشاهی
(همان: ۴۸۸)

زیب مگسی در غزل خود اذعان می‌کند که رند شراب نوش است و عابد بودن خود را نفی می‌کند که این مضمون همان تداعی کننده اعتقاد ملامتی نیز هست البته آنچه زیب مگسی سروده بر اساس اعتقاد قلبی او نیست و این مضمون را همچون سایر مضامین از شعرای پیشین وام گرفته است:

عابد نیم نہ زاهد رندم شراب نوش عشاق راجہ کار بہ تقوی واتباع
(زیب مگسی، ۱۹۹۶: ۱۰)

گاہ رند گمراہم گہ فقیر آگاہم گہ شراب می‌خواہم گہ کتاب می‌خوانم
گہ بہ دیر می‌پویم گاہ کعبہ می‌جویم گاہ کلمہ می‌گویم گہ غلام اوشانم
(زیب مگسی، ۱۹۹۵: ۱۰۷)

ج. مضامین قلندری

قلندریه فرقه‌ای از صوفیه است که در حدود قرن هفتم در خراسان، هند، شام، مصر و بعضی سرزمین‌های دیگر فعالیت داشتند و با این که پیش از این نیز سابقه داشته‌اند شهرت آنها در این زمان است (زرینکوب، ۱۳۷۸: ۸۶). قلندریه آداب خاصی داشتند از جمله تجرد و آزادی و عدم ریاضت کشی و عدم افراط در زهد فروشی، سهروردی قلندران را افرادی می‌داند که پاکی بر قلب آنها چیره شده و عادات و رسوم را زیر پا گذاشته‌اند و قید و بند التزام به آداب همنشینی و هم سخنی را از خود دور کرده‌اند (سهروردی، ۱۳۷۵: ۷۶). در این نوع اشعار توصیه به شرابخواری و رفتن به میکده رواج دارد و به نوعی ترویج خوشباشی و غنیمت دم است که در اشعار عارفانی چون حافظ نیز بسیار دیده می‌شود. زیب نیز از این دست ابیات در غزلیات خود فراوان دارد:

شراب نوش کہ شور شہان نخواہد ماند مدام مرتبہ دشمنان نخواہد ماند
شبہ بہ مجلس جمشید می‌زدند سرود بگير جام کہ جم در جہان نخواہد ماند
(زیب مگسی، ۱۹۹۵: ۱۴)

ساقی در مسرت برمن زیادہ بگشا کہ دلم گرفت واللہ از رنج پارسانی
(همان: ۲۲)

می‌نوشی:

از اوج گرسنانت دور زمانه پستی می‌نوش کن که دانم اندوه خلق رستی
 آئین پهلوانان صدق ست می‌پرستی هنگام تنگدستی در عیش کوش و مستی
 (زیب مگسی، ۱۹۹۶م: ۲۴)
 سر برهنه در بر خمار رفتن جاه ماست یابی اندر باده خانه رهن دستار مرا
 (همان: ۱۰۲)

آزادی از قید همه چیز

عجب بی بخت قلاشم، برهنه رند و او باشم ز عز و جاه بیزارم ز ملک و مال آزادم
 (همان: ۱۵۵)

د. ناپایداری دنیا

زیب به دنیا می‌تازد در دیدگاه زیب دل بستن به دنیا نامعقول و مایه بیخردی است. زیرا دل بستن‌های زودگذر انسان را سرگردان میکند و در نهایت در این بیت جهان غدار را مانند علفزاری میداند. دیدگاه منفی و تحقیر آمیز عارفان نسبت به دنیا و حیات دنیوی برکسی پوشیده نیست. در شعر زیر مضمونی که به کار برده در گلستان سعدی یافت می‌شود:

عمر برف است و آفتاب تموز اندکی ماند و خواجه غره هنوز
 (سعدی، ۱۳۸۵: ۸)
 چیست دنیا راحت ظل سحاب زندگی برف ست و گیتی آفتاب
 دور دارا و سکندر درگذشت کرد حالت نوبت افراسیاب
 تاج و تخت و فرسلطانی گذشت گر فریدون گشت فائق فتحیات
 (زیب مگسی، ۱۳۹۵: ۲۶)

۷-۲-۲. تقلید از اشعار خاص شاعران سبک عراقی

برخی از اشعار گل محمد زیب مگسی از نظر وزن و قافیه و مضمون مشابه اشعار شاعران پیشین است، اما اغلب نوآوری‌های وی مانع تشخیص شباهت می‌شود مگر این که شعر بسیار معروف باشد و به محض خواندن شعر زیب در ذهن تداعی شود. مضامین حافظ را در بسیاری از غزلیات وی می‌توان یافت. برای نمونه می‌توان به این بیت اشاره نمود:

تمنائیست دل را بهر دیدار گل رویت خوشاگر در دماغ دل رسد تفریح از بویت
 (همان: ۵۴)

که از نظر وزن و قافیه با غزل حافظ به این مطلع شباهت دارد و مضمون هر دو غزل گیسوی یار است و تمام ابیات خطاب به یار سروده شده است.

مدامم مست می‌دارد نسیم جعد گیسویت خرابم می‌کند هر دم فریب چشم جادویت
 (حافظ، ۱۳۹۱: ۹۵)

همچنین گل محمد با تاثیر پذیری از غزل حافظ با ردیف «الغیاث»:

درد ما را نیست درمان الغیاث هجر ما را نیست پایان الغیاث
 (همان: ۹۶)

غزلی به این مطلع دارد:

ثاقب رخت شرر به دل و جان زد النیاث چشمت به سینه ام صد پیکان زد النیاث

(زیب مگسی، ۱۳۹۵: ۳)

با وجود اینکه هر دو غزل بیانگر مضمون شکوه و شکایت هستند، اما از نظر وزن و قافیه با هم تفاوت دارند. در همین غزل مصراع «ثبت است بر جریده دل‌های اهل عشق» مشخصاً از این مصراع حافظ: «ثبت است بر جریده عالم دوام ما» (حافظ، ۱۳۹۱: ۱۱) تاثیر پذیرفته است،

همچنین تاثیر غزل حافظ با مطلع:

ای فروغ ماه حسن از روی رخشان شما آبروی خوبی از چاه زنخدان شما

عزم دیدار نو دارد جان بر لب آمده باز گردد یا براید چیست فرمان شما

(حافظ، ۱۳۹۱: ۱۲)

بر دو غزل گل محمد کاملاً هویدا است. در هر دو غزل ردیف «شما» تکرار شده که یکی از آنها در قافیه با غزل مشترک است و یکی دیگر در وزن عروضی و از نظر محتوا و مضمون غزل‌ها با آنچه حافظ سروده مشابهت دارد و خطاب به شخصی خاص سروده شده است:

قید آزادان بود زنجیر گیسوی شما قاتل سنگین مزاجان تیغ ابروی شما

بهر دیدار گل روی تو نالان عندلیب گل گریبان چاک کرده از غم بوی شما

(زیب مگسی، ۱۹۹۵: ۲۴)

ای گوهر اندر آب گم از در دندان شما یاقوت را دل گشته دم از لعل خندان شما

افکنده رستم داستان از تیغ ابرویت کمان وز بهر قتل عاشقان صف بسته مژگان شما

(همان: ۴۸)

زیب در کتاب خزینه‌الاشعار چندین غزل از حافظ تضمین کرده که در این گونه موارد نیز سعی در تقلید از وزن و قافیه و سبک زبانی دارد، در این مخمس‌ها مضمون هر بند با بیتی از حافظ همگونی دارد، اما با توجه به این که زبان زیب مگسی از نظر زمانی با حافظ تفاوت‌هایی دارد کلمات تازه تری مانند سیخ کباب در شعر وی دیده می‌شود:

می خوردن بر نغمه طنبور و رباب اولی در فصل بهار افضل در ظل سحاب اولی

بر رسم کیان صهبا با سیخ کباب اولی «این خرقة که من دارم در رهن شراب اولی

وین دفتر بی معنی غرق می‌ناب اولی»

(زیب مگسی، ۱۹۹۶: ۵۱)

همچنین در تضمین غزل جامی زبان خود را نیز با او هماهنگ نموده است که دلیل آن نزدیک‌تر بودن زبان جامی در قرن نهم با زبان زیب مگسی است:

ای برتر از خلیل و کلیم و حبیب رب ذاتت ظهور عالم اسباب را سبب

نعت تو بر زبان دلم از خدا وهب «روحی فداک‌ای صنم لبطحی لقب

آشوب ترک شور عجم فتنه عرب»

(همان: ۵۲)

نمونه‌ای دیگر از تضمین غزل جامی نشان می‌دهد که زیب در اغلب مخمسات خود علاوه بر وزن و قافیه زبان و مضمون را نیز تقلید نموده است:

شیرین دهن‌ا دل طلبا کام برار‌ا نازک بدنا نشو لب‌ا نغز نگارا
تقوی شکنا ماهوشا شاهسووارا سیمین ذقنا سنگ دلا لاله عذارا
خوش کن به نگاهی دل غمدیده ما را

(همان: ۴۵)

مضمون یکی از ابیات زیب مگسی را در شعر سعدی و عراقی نیز می‌بینیم. ردیف «کیستی» در این غزل و سوالی بودن آن تداعی گر غزلی از فخرالدین عراقی است که از نظر عروضی نیز تفاوتی با هم ندارند و تنها تفاوت آنها در قافیه است.

ابیات میرگل محمدخان زیب:

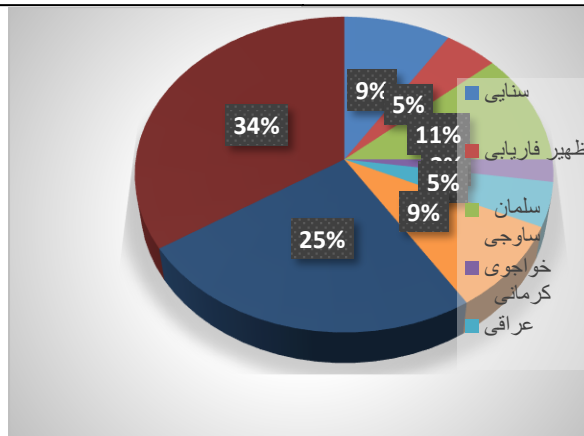
کام من ست تلخ‌تر در پی کام کیستی جامه شدست زاشک تردست بجام کیستی
بسته شدم بموی تو خسته شدم زخوی تو زیب غلام روی تو گو تو غلام کیستی
(زیب مگسی، ۱۹۹۵م: ۴۹)

ابیات عراقی:

ای به تو زنده جسم و جان مونس جان کیستی ای دو جهان غلام تو جان و جهان کیستی
یافتمی به روز و شب از لب لعل تو رطب هیچ ندانم از دو لب شهد فشان کیستی
بر سر کویت چو سگان هر سحری کنم فغان هیچ نگویی‌ای فلان تو ز سگان کیستی
(عراقی، ۱۳۷۵: ۲۷۲).

از سویی مصراع دوم بیت دوم با مصراع دوم این بیت سعدی از نظر مضمون کاملاً مشابه است: هر لحظه در برم دل از اندیشه خون شود تا خود غلام کیست که سعدی غلام اوست
(سعدی، ۱۳۸۵: ۵۷۷)

این گونه شباهت‌ها نشان دهنده این است که زیب مگسی به اشعار شاعران پیش از خود به ویژه شاعران سبک عراقی به حدی تسلط داشته، که هنگام سرودن شعر نه تنها از مضامین بلکه از زبان آنها نیز تبعیت کرده است.



نمودار ۳. بسامد تضمین غزل شاعران دوره عراقی در خزینہ الاشعار

۳. نتیجه

گل محمدخان زیب مگسی شاعر توانمند اما کمتر شناخته شده معاصر که مطالعه بسیاری در آثار شاعران پیش از خود داشته است به طوری که بسیاری از اشعار آنها را در حافظه سپرده و در دیوان‌های خود از آنها سود برده است. در این مقاله که تاثیر سبک عراقی و شعر این دوره را بر اشعار وی بررسی کردیم، مشخص شد که وی هم در مخمسات و هم در غزلیات به اشعار دوره عراقی به ویژه شاعران بزرگی چون حافظ سعدی، عراقی مولوی و جامی نظر داشته و در مواردی عین الفاظ آنها را را شعر خود آورده و یا از وزن و قافیه و مضمون آنها تقلید کرده است، بیشتر غزل‌های شاعران دوره هندی و شاعرانی که گل محمد در وطن خود می‌شناخته تضمین شده مانند میر جان محمد لوهری که بسامد بالایی در مخمسات وی دارد و همچنین میرزا گل محمد خان ناطق مکرایی و در این میان شاعران دیگری از دوره خراسانی مانند عنصری، نظامی و برخی شاهان مانند شاه شجاع و محمود غزنوی هم در مخمسات وی تضمین شده است، در مجموع حدود ۱۵ درصد مخمسات وی حاوی تضمین غزلیات شاعران مطرح دوره عراقی است که در این میان جامی و حافظ در درجه اول قرار دارند. مضامین سبک عراقی که شامل مباحث عشق و عرفان است بیشترین کاربرد مضمون را در شعر وی دارد که اغلب مضامین وام گرفته از شاعران مطرح این دوره به ویژه حافظ است. زبان و بیان زیب اگرچه متأثر از شعر سبک عراقیست اما واژه‌هایی که او به کار می‌گیرد تازه‌تر از زبان دوره عراقی است و نوآوری‌های ادبی نیز در حوزه بحور شعری دارد که شائبه مقلد صرف بودن را از وی زدوده است؛ اما با توجه به این که بسیاری از غزلیات وی را در وزن و قافیه با غزل‌های معروف دوره عراقی پیوند یافته و مشترک می‌بینیم به نظرمی رسد اگر بتوانیم به طور دقیق اشعار وی را با شاعران دوره عراقی مقایسه کنیم، نمونه‌های فراوانی از تقلیدهای وی را از ترکیبات به کار رفته در شعر شاعران پیشین و همچنین مضامین آنها بیابیم. به

گونه ای که در بیان کلی می توان گفت شعر وی وابسته به شاعران پیشین است و از نظر پرورش مضمون شعری شاعر مستقلاً به شمار نمی رود.

منابع

- آذر، امیر اسماعیل (۱۳۷۵)، *سعدی شناسی*، تهران: میترا.
- بهارنژاد، زکریا (۱۳۸۵)، «وجودشناسی عرفانی»، *پژوهش های فلسفی کلامی*، دوره ۸، شماره ۲، صص ۱۴۶-۱۲۷.
- تدین، عطاءالله (۱۳۷۴)، *جلوه های تصوف و عرفان در ایران و جهان*، تهران: تهران.
- حافظ، شمس الدین محمد (۱۳۹۱)، *دیوان حافظ*، تهران: فکر روز.
- دهانی، مجیب الرحمن و عباس نیکبخت و عبدالله واثق عباسی (۱۴۰۳)، «بنمایه های سبکی اشعار گل محمد خان زیب مگسی»، *ماهنامه علمی سبک شناسی و تحلیل متون نظم و نثر فارسی (بهار ادب)*، سال ۱۷، شماره ۶، صص ۴۱-۶۵.
- زرین کوپ، عبدالحسین (۱۳۷۸)، *حدیث خوش سعدی درباره زندگی و اندیشه سعدی*، تهران: سخن.
- زیب مگسی، گل محمد (۱۹۹۶م)، *خزینة/لاشعار*، با مقدمه پروفسور عباس شرافت، انجمن فارسی بلوچستان.
- (۱۹۹۵م)، *زیب نامه*، مقدمه پروفسور عباس شرافت، بلوچستان: انجمن فارسی بلوچستان.
- سعدی، مصلح الدین (۱۳۸۵)، *کلیات سعدی*، به تصحیح محمد علی فروغی، تهران: هرمس.
- سلمی، ابو عبد الرحمن (۱۳۶۴ق)، *رساله الملامتیه*، قسم الثانی، ابوالعلاء عقیفی، مصر.
- شمیسا، سیروس (۱۳۸۴)، *کلیات سبک شناسی*، تهران: میترا.
- (۱۳۸۰)، *انواع ادبی*، چاپ ۹، تهران: فردوس.
- عراقی، فخرالدین (۱۳۷۵)، *کلیات عراقی*، به کوشش سعید نفیسی، چاپ ۸، تهران: کتابخانه سنایی.
- غلامرضایی، محمد (۱۳۹۱)، *سبک شناسی شعر پارسی از رودکی تا شاملو*، چاپ ۴، تهران: جامی.
- فروزانفر، بدیع الزمان (۱۳۸۴)، *شرح مثنوی شریف*، تهران: علمی فرهنگی.
- مرتضوی، منوچهر (۱۳۶۵)، *مکتب حافظ یا مقدمه ای بر حافظ شناسی*، چاپ دوم، انتشارات توس.
- مصاحب، غلامحسین (بی تا)، *دایره المعارف فارسی*، جلد دوم بخش دوم، چاپ سوم، تهران: امیرکبیر.
- مولانا جلال الدین محمد بلخی (۱۳۸۴)، *دیوان شمس*، تهران: طلایه.
- ولک، رنه (۱۳۷۹)، *تاریخ نقد ادبی جدید*، جلد ۲، ترجمه ارباب شیروانی، تهران: نیلوفر.
- هجویری، ابوالحسن علی بن عثمان (۱۳۸۳)، *کشف المحجوب*، محمود عابدی، تهران: سروش.
- Azar, Amir Ismail (1995), Saadilogni, Tehran: Mitra. [In Persian].
- Baharnjad, Zakaria (2005), "Mystical Ontology", Theological Philosophical Researches, Volume 8, Number 2, pp. 127-146. [In Persian].
- Dehani, Mojib AL Rahman, Abbas Nikbakht, and Abdullah Vaceqh Abbasi (1403), "The stylistic features of Gul Mohammad Khan Zeib Magsi's poems", scientific monthly of stylistics and analysis of Persian poetry and prose texts (Bahar Adab), year 17, Number 6, pp. 41-65. [In Persian].
- Tadin, Ataullah (1994), Effects of Sufism and Mysticism in Iran and the World, Tehran: Tehran. [In Persian].
- Hafez, Shamsuddin Mohammad (2011), Divan Hafez, Tehran: Fekr Rooz. [In Persian].
- Zarin Koob, Abdul Hossein (1998), Khosh Saadi Hadith about Saadi's life and thought, Tehran: Sakhan. [In Persian].
- Zeib Magsi, Gul Mohammad (1996), Khazineh al-Ashaar, with an introduction by Professor Sharaft Abbas, Balochistan Persian Society. [In Persian].
- (1995), Zibnameh, introduction by Professor Sharaft Abbas, Balochistan: Balochistan Persian Society. [In Persian].
- Saadi, Mosleh al-Din (2005), Saadi's generalities, edited by Mohammad Ali Foroughi, Tehran: Hermes. [In Persian].

- Solami, Abu Abd al-Rahman (1364), *Risalah al-Mulamatiyyah*, second part, Abul Alaa Afifi, Egypt. [In Persian].
- Shamisa, Siros (1384), *Generalities of stylistics*, Tehran: Mitra. [In Persian].
- (2001), *Literary types*, Chapter 9, Tehran: Ferdous. [In Persian].
- Iraqi, Fakhreddin (1991), *Iraqi generalities*, by the efforts of Saeed Nafisi, Ch8, Tehran: Sanai Library. [In Persian].
- Gholamrezaei, Mohammad (2012), *Persian poetry stylistics from Rudaki to Shamlu*, Chapter 4, Tehran: Jami. [In Persian].
- Farouzanfar, Badi al-Zaman (1984), *Sharh Masnavi Sharif*, Tehran: Alami Farhani. [In Persian].
- Mortazavi, Manochchar (1985), *School of Hafez or an introduction to Hafezology*, second edition, Tos Publications. Musaheb, Gholam Hossein, *Persian Encyclopedia*, second volume, second part, third edition, Tehran: Amirkabir. [In Persian].
- Maulana Jalaluddin Mohammad Balkhi (2004), *Divan Shams*, Tehran: Talaiyeh. [In Persian].
- Volek, Rene (1999), *History of New Literary Criticism*, Volume 2, translated by Arbab Shirvani, Tehran: Nilufar. [In Persian].
- Hojviri, Abulhasan Ali ebn Othman (2003), *kashf o Imahjoub*, Mahmoud Abedi, Tehran: Soroush. [In Persian].